

نقش کالای قاچاق در گسترش فرهنگ مصرف و کمرنگ شدن ارزش‌های دینی و اخلاقی

*حمید دهقانیان

چکیده

قاچاق کالا به عنوان پدیده‌ای مخرب برای چرخه سالم اقتصاد ملی، بستر ساز آسیب‌های متعدد اجتماعی بوده است. رشد بی‌رویه این پدیده در سال‌های اخیر توجه جدی مسئولین امر را به خود معطوف نموده به طوریکه به جرأت می‌توان از آن به عنوان بزرگترین معضل شکوفایی اقتصاد تولید محور نام برد. این پژوهش با فراتحلیل آمار و اطلاعات موجود و مربوط در باب قاچاق در کشور، نظام مسائل آن را استخراج و به عنوان یک مسئله جدی پیامدهای مختلف این پدیده را به ادبیات دینی عرضه داشته، و به واکاوی مفاهیم مقتضی در این ادبیات پرداخته است. یافته‌های پژوهش تناظر و همبستگی قابل توجهی بین گسترش این پدیده و بروز آسیب‌های جدی اجتماعی و اخلاقی را از منظر دین در جامعه نشان می‌دهد که از جمله آنها: ۱) آسیب‌های جدی در گسترش مصرف زدگی و تبعات آن، ۲) تسهیل دسترسی و مصرف مواد و کالاهای نامتناسب با اصول اخلاقی و فرهنگی ما، ۳) کمرنگ شدن فرهنگ کار و تولید که از جمله ارزش‌های بنیادی اقتصاد در منظر دین اسلام است، اشاره کرد. رفع کم‌توجهی و شفافسازی مفاهیم، ارزش‌ها و هنجارهای دینی در این زمینه با توجه به بافت فرهنگی جامعه ایران، از جمله راهبردهای لازم برای حل و تخفیف اثرات این پدیده می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: ارزش‌های دینی، قاچاق، فرهنگ کار و تولید، مصرف زدگی

ابعاد گوناگون پدیده قاچاق و اثرات نامطلوب و مخرب آن در جامعه، امروزه به عنوان چالش و مسئله‌ای جدی برای مسئولین و مدیران به خصوص در بخش اقتصاد کشور مطرح است. آمار موجود در این زمینه، وجود دستورالعمل‌ها، وضع قوانین و حجم تبلیغات و اطلاع‌رسانی در مورد این پدیده، نشانگر گستره نفوذ تأثیرات منفی آن در جامعه است. اختلال به وجود آمده بر اثر قاچاق صرفاً مربوط به ساختار اقتصادی نبوده و پیامدهای آسیب‌زاوی را نیز به طور مستقیم و یا باوسطه در سایر شئون اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه، به دنبال داشته، که برهم کش موجود این پیامدها منجر به تشدید و بازتولید بیشتر مسائل و آسیب‌ها در این بسترگ دیده و امر مداخله و نقطه شروع آن را برای سیاست‌گذاران و مجریان دچار ابهام نموده است به طوریکه با وجود قوانین متعدد و دستگاه‌های متولی مبارزه با پدیده قاچاق کالا، سهم کشفیات کالای قاچاق تنها به میزان ۲ درصد در کشور بوده است. (ایسنا، ۱۳۹۴) عمدۀ کالاهای مورد قاچاق، در بخش واردات صورت می‌گیرد و تنها کالاهایی مانند سوخت که بدان یارانه دولتی تعلق می‌گیرد و مابه التفاوت معناداری نسبت به آن سوی مرزها دارند در بخش صادرات هستند. قاچاق سوخت به خارج از کشور طی سال ۱۳۹۳ روزانه در حدود ۲۰ میلیون لیتر برآورد شده است که ضرر اقتصادی معادل ۷,۳ میلیارد دلار را برای کشور به همراه دارد. بخشی از قاچاق کالا از طریق مبادی رسمی (گمرکات) صورت می‌گیرد. جعل و دستکاری اسناد گمرکی، اظهارنامه‌های خلاف واقع، دورزدن قوانین و تشریفات گمرکی و پرداخت رشوه از جمله ترفندهای موجود در این زمینه است. بخش دیگر کالاهای قاچاق، در ارتباط با سوء استفاده و تخطی از مقررات و تسهیلاتی است که دولت به موجب قانون «ساماندهی مبادلات مرznشینی» مصوب سال ۱۳۸۴، قائل شده است. عدم رعایت محدودیت‌های مقداری، کالایی و زمانی در بار ملوانی (تلنجی)، گذر بازارچه‌ها و تعاونی‌های مرznشینی از حدود و ثغور تعیین شده در قانون، عدم رعایت ضوابط در کوله‌بری مرznشینان و گذر مرزی در این مقوله قرار

می‌گیرند. و بالاخره بخش دیگری از کالاهای قاچاق، آنهایی هستند که به نحو غیرقانونی از مبادی غیررسمی عبور داده شده‌اند. عبور مخفیانه از مرز و گذرهای غیرقابل کنترل مرزی و حتی عبور از کنار پاسگاههای مرزبانی با تطمیع ماموران، در زمرة شیوه‌های عبوردادن کالاهای قاچاق از معابر و مبادی غیررسمی مرزی بوده‌اند. معمولاً کالاهای ممنوع و بخصوص مشروبات الکلی بیشتر از این راه به کشور قاچاق می‌شوند. عدم تناسب این کالاهای (مانند مواد مخدر و مشروبات الکلی)، با ارزش‌های دینی و اخلاقی و اجتماعی، مصرف‌زدگی و اشاعه فرهنگ مصرف، اختلال و رکود در عرصه تولید ملی از جمله پیامدهای عمدۀ پدیده قاچاق در جامعه است. ترویج فرهنگ مصرف و به دنبال آن وابستگی مصرفی به واردات این نوع کالاهای، یکی از تأثیرات مستقیم و محرّب این پدیده است که بیشتر شامل کالاهای ترئینی، لوکس و یا کم دوام است. این در حالی است که ادبیات دینی ما با نفی مصرف‌گرایی، اسراف و تبذیر به عنوان یک امر غیر اخلاقی، توصیه اکید به حفظ تعادل در مصرف نموده است. فرهنگ دینی، آیات، روایات و سنت پیشوایان دینی ما همه بر قناعت در زندگی نفی زندگی اشرافی و بالارزش دانستن حرفه و کار تولیدی متفق القول هستند. با توجه به اهمیت تحقق آموزه‌های دینی در جامعه، مبارزه و نفی فرهنگ مصرفی و تشویق به فعالیت‌های مولد جزو اهداف مطلوب سیاستگذاران در این عرصه بوده است. اما متأسفانه یکی از موانع جدی و اصلی شکل‌گیری چنین اهدافی موضوع قاچاق است. دلایل عمدۀ ورود کالای قاچاق به کشور را می‌توان نرخ تقاضای داخلی، کمبود و کاهش تولیدات، عدم کیفیت، جذابیت تولیدات داخل، سود سرشار بالای قاچاق و ریسک پائین آن از یک سو و ناکارآمدی اقتصاد دولتی، سیستم نظارتی و گمرکی، فساد اداری موجود، قوانین با کارایی پائین از سوی دیگر دانست. ورودی که ارمنش افزایش بیکاری و کاهش رونق اقتصاد مولد و به تبع آن افزایش آسیب‌های اجتماعی و گمرنگ شدن ارزش‌های دینی و اخلاقی و بروز فقر در سطح وسیعی از جامعه است. این پژوهش سعی دارد

ضمن واکاوی مفهوم پدیده قاچاق، ابعاد و پیامدها آن، به نحوه تأثیرگذاری آن بر فرهنگ مصرفی و ارزش‌های دینی و اخلاقی پردازد.

تعريف و مفهوم قاچاق

قاچاق یک کلمه ترکی است که در فرهنگ دهخدا به معنای ربوه و آنچه ورود آن به کشور و یا معامله آن از طرف دولت ممنوع است. به معنی عملی است که به صورت پنهانی و خلاف قانون انجام می‌شود. و اشاره به خرید و فروش کالاهایی که در انحصار دولت بوده و یا معامله آنها ممنوع باشد؛ وارد و یا صادر کردن کالاهایی که ورود و صدور آنها ممنوع است (فرهنگ عمید). قاچاق یک جرم است و قانون مجازات اسلامی در ایران، قاچاق را جرم مشمول تعزیرات حکومتی می‌داند. قاچاق که به انگیزه فرار صورت می‌گیرد دولت را از درآمدهای قانونی خود، محروم می‌کند و بر این اساس منابع بخش عمومی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. (پژویان، ۱۳۸۵) در یک تعریف که سازمان جهانی گمرک ارائه نموده است قاچاق را تخلف گمرکی از طریق جابجایی کالا در طول یک مرکز گمرکی به روش مخفیانه و به منظور فرار از نظرارت گمرکی دانسته است. (نوری، ۱۳۸۵) در ایران در اصطلاح گمرک و سایر دستگاه‌های دولت، منظور از قاچاق گریزاندن کالا از پرداخت مالیات و عوارض به دولت است. در مجموع در تعریف قاچاق می‌توان گفت «هرگونه فعالیت غیرقانونی در امر واردات، صادرات، خرید، فروش، تولید، توزیع، حمل و نگهداری کالا و ارز» قاچاق محسوب می‌شود. شخص یا اشخاصی را که مبادرت به انجام قاچاق نماید قاچاقچی یا سوداگر و کالاهای اقتصادی را که مورد قاچاق قرار می‌گیرد کالای قاچاق یا به اختصار قاچاق می‌نامند. (محسنی، ۱۲:۱۳۸۹) شکل‌گیری شبکه اقتصاد زیرزمینی یا سیاه که در آن شفافیت لازم وجود نداشته و غالباً به مبادلات پولی و غیرپولی کالاهای اعم از مواد مخدوش و الکلی، کالاهای سرقتی، سوخت، انسان و... اطلاق می‌شود از دیگر تعابیر

اقتصادی برای چرخه قاچاق است که عمدتاً به انگیزه سودآوری و فرار از مالیات صورت می‌گیرد. مفهوم قاچاق در برگیرنده طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها می‌شود. این طیف مواردی همچون تولید بدون اخذ مجوز از مراجع ذیصلاح، بازرگانی بدون ثبت در دفاتر رسمی، عرضه کار بدون مجوز در بازار، دستکاری در اسناد دولتی و تجاری و جعل آنها، رشویه‌خواری، تولید و توزیع کالاهای ممنوع و خرید و فروش آن مثل مواد مخدر، مشروبات الکلی و غیره همگی از اشکال قاچاق اند و همانطور که ذکر شد همه این موارد دو خصیصه مشترک دارند: ۱) بدون مجوزند ۲) افراد با انگیزه کسب سود بیشتر از فعالیت‌های رسمی به این گونه فعالیت‌ها اقدام می‌کنند. (پورنیازی، ۱۳۸۹: ۵) در یک تعریف که سازمان جهانی گمرک ارائه نموده است قاچاق را تخلف گمرکی از طریق جایجایی کالا در طول یک مرکز گمرکی به روش مخفیانه و به منظور فرار از نظارت گمرکی دانسته است (نوری، ۱۳۸۵). در ایران در اصطلاح گمرک و سایر دستگاه‌های دولت، منظور از قاچاق گریزاندن کالا از پرداخت مالیات و عوارض به دولت است. در مجموع در تعریف قاچاق می‌توان گفت «هر گونه فعالیت غیرقانونی در امر واردات، صادرات، خرید، فروش، تولید، توزیع، حمل و نگهداری کالا و ارز» قاچاق محسوب می‌شود. شخص یا اشخاصی را که مبادرت به انجام قاچاق نماید قاچاقچی یا سوداگر و کالاهای اقتصادی را که مورد قاچاق قرار می‌گیرد کالای قاچاق یا به اختصار قاچاق می‌نامند (محسنی، ۱۳۸۹: ۱۲). در قانون مبارزه با قاچاق مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ مجلس شورای اسلامی، قاچاق کالا و ارز این گونه تعریف شده است: «هر فعل یا ترک فعلی که موجب نقض تشريعات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و بر اساس این قانون یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود». مفهوم قاچاق در برگیرنده طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها می‌شود. این طیف مواردی همچون تولید بدون اخذ مجوز از مراجع ذیصلاح، بازرگانی بدون

ثبت در دفاتر رسمی، عرضه کار بدون مجوز در بازار، دستکاری در اسناد دولتی و تجاری و جعل آنها، رشوه‌خواری، تولید و توزیع کالاهای ممنوع و خرید و فروش آن مثل مواد مخدر، مشروبات الکلی و غیره همگی از اشکال قاچاق‌اند و همانطور که ذکر شد همه این موارد دو خصیصه مشترک دارند: ۱) بدون مجوزند ۲) افراد با انگیزه کسب سود بیشتر از فعالیت‌های رسمی به این گونه فعالیت‌ها اقدام می‌کنند. (پورنیازی، ۱۳۸۹: ۵) به تعبیر ساده قاچاق کالا عبارت است از صدور کالا یا واردات آن وقتی به طریق غیرقانونی از مبادی غیررسمی صورت گیرد و یا در عین گذر از مبادی رسمی (گمرکات) تمام یا بخشی از مقررات در مورد آنها اعمال نشده باشد. به این ترتیب به کالاهایی که به شیوه‌های فوق صادر و یا وارد شوند کالاهای قاچاق اطلاق می‌شود اعم از اینکه جزء کالاهای ممنوع باشند (کالاهایی که ورود و صدور آنها ممنوع است) (همان: ۴). مانند مشروبات الکلی، ادوات و ابزار قمار، اسلحه، تجهیزات دریافت از ماهواره، داروهای روان‌گردان و مانند آن) و یا کالاهایی مجاز (کالاهایی که صدور و یا ورود آن با رعایت تشریفات گمرکی و بانکی، نیاز به مجوز ندارد مثل منسوجات، مواد اولیه و مصالح ساختمانی) و یا کالاهای مجاز مشروط (کالاهایی که صدور یا ورود آنها علاوه بر انجام تشریفات گمرکی حسب قانون نیازمند مجوز قبلی از یک یا چند مرجع ذی‌ربط قانونی است (همان)، مانند مواد غذایی و بهداشتی و کالاهای تحت استاندارد ایمنی).

فرهنگ

فرهنگ شامل ترکیب پیچیده‌ای از دانش‌ها، باورها، هنر، اخلاقیات، قوانین، مشخصات و هرگونه قابلیت‌ها و عادتی است که به وسیله انسان‌ها و اعضای یک جامعه اکتساب می‌گردد. (تیلور، ۱۹۷۴) در تعریف دیگری از فرهنگ آمده است که فرهنگ روشی از زندگی به طور خاص مشخصه‌ها و باورهای عمومی گروهی خاص از مردم در یک

جان، (۲۰۱۰)

صرف و فرهنگ مصرفی

فرهنگ دهخدا مصرف را که کلمه‌ای با ریشه عربی بوده به معنای جای بازگشتن، خرج و صرف، صرف کردن، خرج شدن و به کاربردن آورده است. مصرف به معنای استفاده یا بهره‌برداری از چیزی که با کاهش یا استهلاک آن چیز همراه باشد. (انوری، ۱۳۸۱:۷۰۷۳) ارزش پولی کالاها و خدماتی که توسط افراد خریداری و تهیه می‌شوند (اخوی، ۱۳۸۰: ۱۴۵)

صرف اتلاف یک ثروت به منظور اراضی یک نیاز است. (مارسل، ۱۳۵۱، ۲۹۵)

زمان مشخص می‌باشد. (دایره المعارف کمبریج، ۲۰۱۵) به عبارتی دیگر فرهنگ یک سری از فعالیت‌ها و جهان‌بینی‌هاست که انسان‌ها با تصور اینکه افرادی با ارزش‌های مشخص در جهان آن را ایجاد نموده و خود را از بعد وجودی فیزیکی محض بالاتر برده و به منظور انکار بی‌معنایی حیوانی، عقلانیت بیشتری را بدست آورده و آگاهی اکتساب می‌نمایند. (سولoman و همکاران، ۲۰۱۰) در تعاریفی دیگر فرهنگ، مفهوم مرکزی در انسان‌شناسی است که در برگیرنده محدوده‌ای از پدیده‌های است که از طریق یادگیری اجتماعی در جوامع انسانی منتقل می‌گردد. برخی از جنبه‌های رفتار انسان، از جمله زبان، رسوم اجتماعی مانند خویشاوندی، جنسیت و ازدواج، اشکال بیانی مانند هنر، موسیقی، مراسم، مذهب، و فناوری‌های مانند پخت و پزها، لباس کلبات فرهنگی گفته می‌شود که در تمام جوامع انسانی یافت می‌گردد. مفهوم فرهنگ مادی در برگیرنده مفاهیم فیزیکی فرهنگ همانند فناوری، معماری و هنر می‌باشد در حالیکه ابعاد غیرمادی فرهنگ همانند قوانین سازمان‌های اجتماعی (شامل عملکردهای سازمان‌های سیاسی و موسسات اجتماعی)، اسطوره شناسی، فلسفه، ادبیات (کتبی و شفاهی) و علومی است که تشکیل دهنده میراث فرهنگی ناملموس یک جامعه می‌باشد. (مکینز،

به عبارت دیگر مصرف یعنی استفاده از کالاها و خدمات به منظور ارضای نیاز و تمایلات انسان (رجایی، ۱۳۸۶: ۱۴)

تعاریف فوق تنها از نگاه اقتصادی به مقوله مصرف پرداخته است در صورتی که بر اثر گذر زمان مفهوم مصرف گسترش زیادی در بین علوم فرهنگی و اجتماعی و حتی روانشناسی پیدا کرده است. به طوریکه اندیشمندان اجتماعی از شکل‌گیری مفهوم جدیدی از مصرف که با هویت فرد و جامعه پیوند عمیقی دارد سخن به زیان آورده‌اند. مصرف صرفاً مسئله‌ای اقتصادی نیست، بلکه به لحاظ تأثیرات و پیامدها، روابط و مناسباتی که ایجاد می‌کند و مجموعه مسائلی که به همراه خود می‌آورد به مراتب بیشتر از حدود و ثغور مسائل اقتصادی است (جوادی، ۱۳۹۰: ۲۰۴) مصرف یک فرایند پیچیده‌ای است که تمام عرصه‌های تولید و مصرف یا استفاده را، پوشش می‌دهد. مفهوم مصرف غیر از مفهوم استفاده و غیر از مفهوم سود یا کارایی است. مفهوم مصرف در واقع مفهومی جدیدی است که ما آن را از کل فرایند زندگی انتزاع کرده‌ایم. چه مرحله‌ای که ما خلق و تولید می‌کنیم و چه مرحله‌ای که ما بهره‌برداری بکارگیری و استفاده می‌کنیم. وجه مفهوم مصرف فقط برای تولید و خلق کالا نیست. در گذشته وقتی از تولید صحبت می‌کردیم مربوط به رفع مایحتاج زندگی بوده اما معنای مصرف در جامعه امروزی به شدت دگرگون گردیده و جزء ارکان اصلی منزلت اجتماعی قرار گرفته است.

مصرف‌گرایی با تغییر اندیشه مردم درباره مصرف پدید می‌آید. در زمان‌های گذشته مردم به تهیه کالاها و خدمات ضرور و درجه اول و بعد کالاهای غیرضرور با اولویت و توان خرید خود می‌پرداختند و در تهیه و تولید مایحتاج خود نقش داشتند و این اندیشه رایج مردم بود اما برای اشاعه مصرف‌گرایی لازم بود این نوع نگرش تغییر یابد؛ بنابراین به وسیله تبلیغات از طریق وسائل ارتباط جمعی در نوع نگرش مردم تغییر

داده شد و مردم در پی هر چه بیشتر مصرف کردن بودند و هستند. در این تغییر اصل اساسی این بود که مصرف تبدیل به یک ارزش و هنجار شد و مصرف‌گرایی دیگر نکوهیه نبود. نظام سرمایه‌داری از رسانه‌ها به عنوان ابزاری برای آماده‌سازی بسترها فرهنگی و فکری مصرف‌گرایی بهره می‌گیرد و قشرهای اندیشه‌ور و متوسط را هدف خود قرار می‌دهد (سیدی‌نیا، ۱۳۸۸: ۳۴). مصرف فرآیندی است که کردارهای اجتماعی و فرهنگی متفاوتی راشامل می‌شود و بیان‌کننده تفاوت میان گروههای اجتماعی است. (فاضلی، ۱۳۸۲: ص ۲۷) مصرف را می‌توان کلید واژه اصلی گفتمان توسعه به خصوص برای کشورهای جهان سوم دانست. وربابه نقل از کاپت (۱۹۷۴) مصرف را عملی روانشنختی می‌داند که مصرف کننده‌ای را که برای به دست آوردن یک سبک زندگی مطلوب بارها شکست خورده است، تشویق می‌کند تا مصرف دیگری را تجربه کند (بهار، ۱۳۹۰: ۱۸). نشانه‌های گسترش زندگی حاصل از جامعه مصرفی را جامعه‌شناسانی چون وبلن، وبر و زیمل در اوایل قرن بیستم به تصویر کشیدند. وبلن و زیمل سبک زندگی طبقه متوسط کلان شهر را تحلیل کردند. سبکی که در آن مصرف لباس، زیورآلات و انواع کالاهای لوکس نقشی محوری داشت. (چولی، ۱۳۸۹)

روندهای تاریخی مصرف‌گرایی در ایران

با توجه به انسجام اجتماعی صورت پذیرفته توسط دولت‌های صفوی و یکپارچه شده کشور تحت لوای حکومتی واحد، اقتصاد کشور در روند بهبود قرار داشت. هرچند این اقتصاد در مقایسه با کشورهای اروپایی عقب‌مانده محسوب می‌شد ولی اتکای به خود داشته و نیازمندی‌های بخش‌های خود به خصوص در کشاورزی و صنعت به ویژه در صنایع دستی و نساجی را برطرف می‌نمود. سهم مبادلات اقتصادی با بیرون از مرزها و اندک و برابر بود. در اواخر دوره صفویه و اوایل دوره قاجار به علت نابسامانی‌های سیاسی و عدم کفایت مدیریتی، شاهد سیر نزولی و رکودی در اقتصاد و مشکلات

عديده در عرصه توليد و ورود کالاهای خارجي به کشور بوده به طوريکه عوارض دريافتي از توليدگران داخلی به مراتب بيشتر از واردکنندگان کالاهای خارجي بود. با افزایش ارتباط بين ايران و کشورهای غربي و نفوذ فرهنگی و اقتصادي غرب در کشور فرهنگ مصرف کالاهای لوکس و خارجي نخست توسط درباريان و مسافرين فرنگ که جزء طبقه مرتفع جامعه بوده ترويج و اشاعه يافت. کشف نفت و شروع اقتصاد نفتی را می توان مهمترین عامل تشدید مصرف زدگی عنوان کرد که منجر به واردات روزافزون کالاهای متنوع و مصرفی در ازاي درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت شد. بررسی آمارهای اين دوره نشانگر افت شدید در تولیدات داخلی به خصوص در کالاهای کشاورزی و مصرفی و همچنین شروع مهاجرت روستائيان به شهر و گسترش شهرنشيني بوده که نشانگر پيدايش جامعه‌اي مصرفی است. از اين پس بوده که حکومت پهلوی با اتخاذ سياست درهای باز، اقتصاد کشور را به شدت به واردات کالاهای وابسته نمود به طوريکه الگوي مصرف تابعی از تولیدات خارجي گشت. اين روند در پس از انقلاب اسلامی به جز کاهش نسبی در دوران دفاع مقدس به خاطر شرایط ويژه جنگ و عدم فروش مناسب نفت، در ادامه نتوانست الگوي مناسب برای اقتصاد پویا و توليد محور ارائه دهد. امروزه کالاهای خوراکی، لوکس و مصرفی از جمله اقلام بزرگ واردات را در تراز اقتصادي کشور به خود اختصاص داده است.

ارزش‌های دینی و اخلاقی

ارزش‌ها باورهای ريشه‌داری هستند که گروه اجتماعی هنگام پرسش درباره خوبی‌ها و بدی‌ها و کمال مطلوب به آن رجوع می‌کنند. (کوئن، ترجمه رضا فاضل، ۱۳۷۷: ۷۳)

ارزش‌ها (Values) در اصطلاح دانش جامعه‌شناسی، عقایدی است که افراد یا گروه‌های انسانی درباره آنچه مطلوب، مناسب، خوب یا بد است؛ دارند. ارزش‌های مختلف نمایانگر جنبه‌های اساسی تنوعات در فرهنگ انسانی است. ارزش‌ها معمولاً از عادات و هنجار نشأت می‌گيرند (گيدنر، ۱۳۸۸: ۷۸۷).

ارزش‌ها به عنوان یکی از اجزای اصلی فرهنگ و نظام شخصیتی افراد، بر الگوهای رفتاری و تفکری، رفتارها و ترجیحات اجتماعی و سیاسی و... تاثیر مستقیمی دارند.
 (شوارتز و تاگپرا، ۲۰۰۵: ۸)

تغییر ارزش‌ها می‌تواند باعث تغییر الگوهای رفتاری و فکری شود، زیرا به عنوان یک محرك می‌تواند و یا باید بر انگیزه‌های افراد موثر واقع شوند.

ارزش‌های دینی

مفاهیم مربوط به این که چه چیزی درست و چه چیزی نادرست است، چه چیزی باید وجود داشته باشد و رخ دهد، این ارزش‌ها ناشی از نیروهای فوق طبیعی تلقی می‌شوند. عبارت دیگر ارزش‌های دینی، به آن ارزش‌هایی گفته می‌شود که معنویت را وارد حیات بشر می‌سازند و دارای تقدس‌اند.

ارزش‌های اجتماعی

هر آنچه که تصوّرات کلی رفتار اجتماعی، که جامعه طالب آن است و به آن ارج می‌نهد را گویند. عبارت دیگر هر آنچه را که اعضای یک جامعه آن را گرامی می‌دارند و در آن وفاق نسبی وجود دارد را ارزش‌های اجتماعی گویند.

ارزش‌های فرهنگی

ارزش‌هایی که موجبات تعالی حیات انسان را فراهم می‌سازند؛ صوری فرامادی بر حیات می‌بخشند؛ هرگز کهنه نمی‌شود (برخلاف ارزش‌های مادی)؛ که با پیدایی یک وسیله بهتر مادی، وسیله قبلی کهنه و بی‌فایده می‌شود.

ارزش‌های اخلاقی

به ارزش‌هایی که صورت دستوری دارند و رفتار و اندیشه را در جهتی خاص سوق می‌دهند را گویند. علاوه بر این می‌توان به ارزش‌های حقوقی، ذهنی، عینی و... هم اشاره نمود. (ترنر، ۱۳۹۱: ۴۱۸)

ارزش‌ها را می‌توان در زمرة مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده جهت‌های رفتاری اعضای جامعه و نیز زیربنای نظم اجتماعی دانست. چرا که تا زمانی که ارزش‌های یک جامعه تغییر نکند، در آن جامعه تغییری مشاهده نخواهد شد. ارزش‌های اجتماعی دیرپا و ماندگارند و یک شبه تغییر نمی‌یابند، همان‌گونه که استقرار ارزش‌ها دیر زمانی طول می‌کشد، تغییر آنها و جایگزینی ارزش‌های جدید نیز به همین سیاق بوده و به مرور زمان و به تدریج صورت می‌گیرد. تحولات ارزشی به گونه‌ای رخ می‌دهند که تا مدت‌ها تغییر و تحولات در لایه‌های زیرین اجتماعی و به طور پنهانی صورت می‌گیرند و یک اتفاق یا حادثه اجتماعی یا سیاسی، به ناگهان آنچه را که در لایه‌های زیرین در حال وقوع است، به لایه‌های رویی جامعه کشانده و در معرض دید همگان قرار می‌دهد. این دگرگونی‌ها در مقیاس وسیع وقتی پدید می‌آید که نسل جوان‌تر، جایگزین نسل مسن و بزرگسال جامعه شوند.

روش تحقیق

در این پژوهش علاوه بر مطالعه اسنادی مدارک و اطلاعات موجود از روش تحلیل آمارهای موجود و فراتحلیل آن برای بررسی پیامدها و کشف نظام مسائل پدیده فاچاق در ادبیات جامعه‌شناسی بهره جسته است. در گام بعدی تحقیق نظام مسئله را در ادبیات دینی واکاوی و با استفاده از روش‌های تحلیل محتوى تفسیری و ساختاری و تکنیک‌های طبقه‌بندی موجود در این روش‌ها به ارائه مفاهیم دینی مرتبط با موضوع مدنظر مبادرت شده است.

سؤالات تحقیق

پدیده قاچاق دارای چه زمینه و پیامدهایی در جامعه است؟

پدیده قاچاق چه تأثیری در گسترش فرهنگ مصرف دارد؟

mekanizm تأثیر پدیده قاچاق بر کمرنگ شدن ارزش‌های اخلاقی و دینی چگونه است؟

یافته‌ها

الف) زمینه‌ها و پیامدهای قاچاق

۱. زمینه و پیامدهای اقتصادی: موارد مختلفی را به عنوان عوامل اقتصادی شکل‌گیری پدیده قاچاق ذکر می‌کنند. از جمله این موارد می‌توان به وجود نیازها و تقاضاهای در درون کشور، پایین بودن کیفیت محصولات داخلی و قیمت بالای آنها (نصیری، ۱۳۹۰) پرسود بودن قاچاق کالا، میزان بالای تعرفه‌های گمرک در واردات و صادرات رسمی (پژویان، ۱۳۸۵)، تخصیص یافتن یارانه به بعضی از کالاهای در داخل (نصیری، ۱۳۹۰) و پایین بودن ضریب رسیک اقتصادی در قاچاق کالا (نصیری، ۱۳۹۰) اشاره نمود. از جمله پیامدهای اقتصادی می‌توان به تضعیف تولید ملی (آفازاده، ۱۳۸۵: ۲۷-۲۸)، بی‌توجهی به برنامه‌های اقتصادی (اخلمزاده، ۱۳۸۸: ۹)، ایجاد هزینه بیشتر در واردات رسمی (پورنیازی، ۱۳۸۹: ۹)، کاهش سود و درآمد مرزی دولت (نصیری، ۱۳۹۰)، مختل شدن نظام ارزی ملی (نصیری، ۱۳۹۰)، ایجاد اقتصاد پشت‌پرده و تأثیرات منفی بر بازار گانی (آفازاده، ۱۳۸۵: ۲۸-۲۹) اشاره نمود.

۲. زمینه‌ها و پیامدهای فرهنگی و اجتماعی: مهم‌ترین زمینه‌های فرهنگی شکل‌گیری پدیده قاچاق شامل تبلیغات موجود در رسانه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای (پورنیازی، ۱۳۸۹: ۵)، وضعیت نابسامانی شغل و کار در حیطه‌های مرزی کشوری، ساختار نابسامان اداری (نصیری، ۱۳۹۰) را می‌توان ذکر کرد. در این زمینه از جمله آثار

و پیامدهای فرهنگی و اجتماعی می‌توان به آثار منفی قاچاق کالا بر سلامت و بهداشت جامعه (افخمزاده، ۱۳۸۸: ۴)، اختلال در الگوی مصرف جامعه (پورنیازی، ۱۳۸۹)، کاهش فرصت‌های شغلی و رواج بیکاری (سلطانی‌ژاد، ۱۳۸۹: ۸)، از خود بیگانگی و تهاجم فرهنگی (افشار، ۱۳۸۸: ۱۷۱)، کمرنگ شدن ارزش‌های دینی و اخلاقی (سیف، ۱۳۸۷: ۱۰۷)، تضعیف فرهنگ کار، گسترش فرهنگ مصرف و تجمل‌گرایی، بیگانگی، کاهش ارزش‌گرایی، هدر رفتن سرمایه اجتماعی، غارت هویت فرهنگی، بحران در کانون خانواده، کاهش امنیت اجتماعی، خدشه‌دار شدن اصول اخلاقی، شکست سیاست‌های فرهنگی دولت و اشاعه الگوی ناسازگار زیست فرهنگی اشاره کرد.

۳. زمینه‌ها و پیامدهای سیاسی و امنیتی: از جمله علل در این زمینه‌ها می‌توان به همسایگان ناامن و ناپایدار کشور (نوری، ۱۳۸۵)، فعالیت‌های سرویس‌های اطلاعاتی، فقدان یا ضعف قوانین موجود (نوری، ۱۳۸۵)، کمبود تجهیزات و اقدامات نظارتی در مرزها، فقدان دانش کاربردی در عوامل اجرایی و نظارتی، مرزهای طولانی کشور (نصیری، ۱۳۹۰)، فساد در عوامل اجرایی و نظارتی اشاره نمود. در این زمینه آثار و پیامدهای سیاسی و امنیتی شامل مواردی همچون کاهش اقتدار و مشروعیت نظام سیاسی (سلطانی‌ژاد، ۱۳۸۹: ۹)، تهدید امنیت داخلی (محسنی، ۱۳۸۹: ۱۸)، شکاف طبقاتی (غلامی باعی، ۱۳۸۹: ۵۸)، گسترش روحیه قانون‌گریزی و خلافکاری، ایجاد فساد مالی در دستگاه‌های دولتی و آلوده کردن نیروهای دولتی، کاهش امنیت عمومی و تیره شدن روابط با کشورهای همسایه و پیامدهای ناشی از آن اشاره کرد. موضوع قاچاق همانطور که در تحلیل بالا مشاهده می‌شود دارای مؤلفه‌ها و ابعاد وسیع و گستره‌ای است که هر کدام از آنها نیاز به کار جدی پژوهشی مفصلی دارد. با توجه به اقتضا و عنوان پژوهش، در این بخش صرفاً به نقش کالای قاچاق در گسترش فرهنگ مصرف و کمرنگ شدن ارزش‌های دینی و اخلاقی در جامعه می‌پردازیم.

تغییر الگوی مصرف مردم

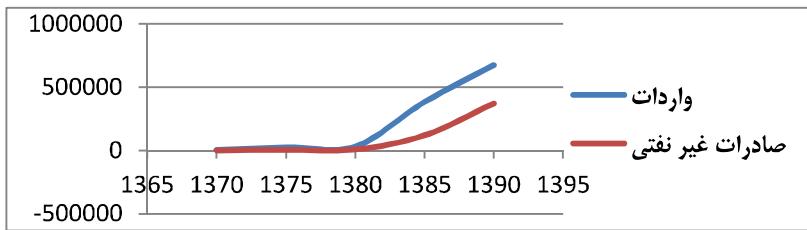
با توجه به نرخ بالای شهرنشینی در کشور و گسترش بی‌رویه آن از یک سو و توسعه ارتباطات و رسانه‌های جمعی از سوی دیگر شاهد تغییر روزافرون نوع و الگوی سبک زندگی به سوس سبک زندگی شهری یا همان شهری شدن هستیم. سبک زندگی که مشخصه آن در فضای دنیای مدرن به خصوص در کشورهای در حال توسعه مصرفی بودن است. نگاهی اجمالی به آمارهای موجود در باب واردات کالا و خدمات در کشور نشان می‌دهد که کالاهای مصرفی بیشترین سهم را در طی این سال‌ها به خود اختصاص می‌دهند. به عنوان مثال واردات کالاهایی لوکس و زیستی براساس مطالعات انجام شده عواملی نظیر زیبایی در طرح و رنگ کالاهای، تنوع و نوآوری، لوکس و به روز بودن کالاهای، تقلید، چشم و هم‌چشمی، نمایش تفاوت (طبقه) اجتماعی، کیفیت مناسب، تطابق با استانداردها، دوام و استحکام، بسته‌بندی زیبا و ضمانت کالاهای خارجی که کالاهای قاچاق نیز بخشی از آنها است در این گرایش نقش دارند.

شكل گیری اقتصاد مصرفی در جامعه ایرانی:

نگاهی به آمار واردات و صادرات در دو دهه اخیر آن شاهدی محکم در رشد واردات به خصوص در کالاهای مصرفی در طول سال‌های اخیر است.

جدول شماره ۱. مبادلات بازارگانی خارجی (میلیارد ریال)

سال	واردات	الصادرات غیرنفتی
۱۳۹۰	۶۷۲۷۴۶	۳۷۱۴۱۰
۱۳۸۵	۳۸۳۵۶۰	۱۱۹۰۰۵
۱۳۸۰	۳۰۹۳۵	۷۴۱۳
۱۳۷۵	۲۳۹۳۸	۵۴۳۵
۱۳۷۰	۲۰۲۶	۱۷۸



نمودار شماره ۱. واردات و صادرات غیر نفتی در دو دهه اخیر

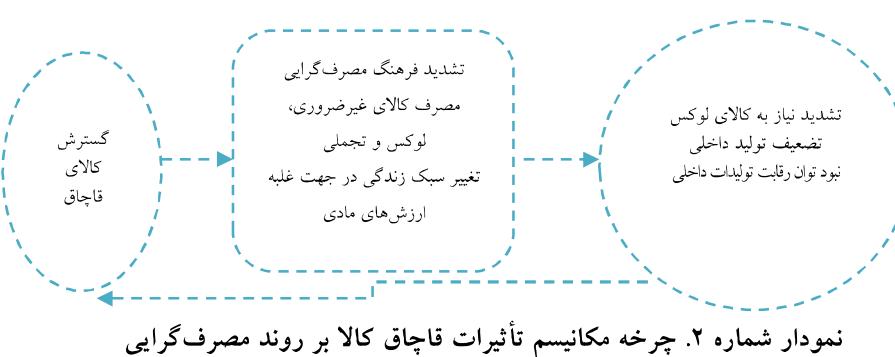
همانطور که در نمودار شماره ۱ نشان داده شده است، کشور در یک نمای کلی از دهه هشتاد شیب رشد مصرف‌گرایی در کشور، و شکل‌گیری اقتصادی مصرفی به خوبی نشان داده شده است. فارغ از بررسی چرایی این موضوع آنچه می‌باشد مورد توجه واقع شود موضوع نقش ورود کالای قاچاق در تشدید این مصرف‌گرایی و تأثیر نامطلوبی که بر چرخه تولید و اشتغال است.

الگوی مصرف کالای قاچاق

هر چند آمار دقیقی از میزان کالای قاچاق در طول یک دهه اخیر که مبارزه با قاچاق به طور جدی در دستور کار قرار گرفته است، وجود ندارد لکن با بررسی آمار کشفیاتی که طی سال‌های اخیر اعلام گردیده و همچنین تخمین مقدار واقعی از روی شاخص‌هایی مانند اقتصاد پنهان که قاچاق یکی از ابعاد مهم آن می‌باشد؛ به جز موارد کالاهای غیرمجاز، الگویی مشابه که تشدید کننده فرهنگ مصرف است در بخش قاچاق نیز مشاهده می‌شود. تأمین ۷۰ درصدی پوشاش و البسه و سهم یک میلیارد دلاری مصرف سالانه کالاهای آرایشی و بهداشتی تنها نمونه‌ای از گردش مالی این پدیده در کشور است (آمار رسمی گمرک). سهم کالاهایی مانند اسباب بازی، کیف و کفش، تلفن همراه، تجهیزات پزشکی، نیز قابل تأمل است.

کالای قاچاق آثار مخرب بر الگوی مصرف جامعه دارد. ماهیت غیرضروری قاچاق تهدیگری بهداشتی پژوهشگاه باستهای

کالا، جامعه را به سوی تفنن طلبی و تجمل گرایی سوق می‌دهد. قاچاق کالا اصولاً الگوی مصرف داخلی را تغییر می‌دهد و به محض ورود کالای قاچاق، اثرات تبلیغاتی و نمایشی آن بروز پیدا می‌کند. بنابرین قاچاق کالا که عمدتاً حول محور کالای لوکس صورت می‌گیرد آثار منفی فرهنگی بر جامعه دارد. (پورنیازی، ۱۳۸۹). داده‌های تجربی نشان می‌دهند که بیش از ۸۰ درصد مصرف کنندگان کالاهای خارجی قاچاق، زیبایی و تنوع و ۵۵/۹ درصد به لوکس بودن این کالاهای توجه داشته‌اند همچنین ۶۵/۸ درصد مصرف کنندگان نیز تصورشان این بوده که با خرید مارک‌های مطرح (هرچند قاچاق) به منزلت اجتماعی مورد نظر خود دست پیدا می‌کنند. بنابراین طبیعی است که چنین فضایی از گرایش‌ها و نگرش‌ها یا به عبارتی فرهنگ مصرفی، چالشی بزرگ بر سر راه مبارزه با قاچاق کالا تلقی گردد (آمار رسمی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ۱۳۸۸). با توجه به نکات فوق درمی‌یابیم که گسترش کالای قاچاق و تغییر ذاته و الگوی مصرفی جامعه در جهت غلبه و پررنگ کردن ارزش‌های مادی دارای رابطه‌ای دوطرفه می‌باشد.



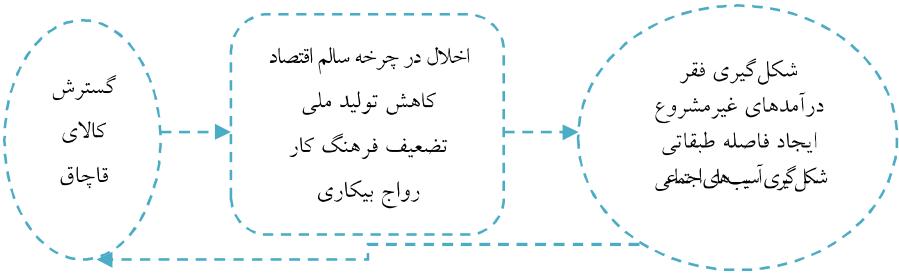
تضییف فرهنگ کار و اشتغال مولد

آسیب دیگر مصرف گرایی ناشی از پدیده قاچاق متوجه تولیدات داخلی است. بر

اساس آمارهای موجود، قاچاق کالا به طور سالیانه به میزان ۸ درصد تولیدات صنعت داخلی را تضعیف می‌کند (مرکز پژوهش، اطلاعات و آمار ستاد مبارزه با قاچاق کالا) و سازمان بین‌المللی کار ادعا دارد که در ازاء هریک میلیارد دلار کالای قاچاق، یکصد هزار فرصت شغلی ازین می‌رود. از این‌رو با توجه به ارزش مبادلات کالای قاچاق، حضور کالای قاچاق در کشور ما، به معنای از دست رفتن سالانه دو میلیون فرصت شغلی است. و بنا به اظهارات مسئولین با جمع تاثیرات مستقیم و غیرمستقیم قاچاق کالا در ایران می‌توان گفت که سالانه باعث از دست رفتن همین مقدار فرصت شغلی می‌شود (ایستا، اظهارات رئیس سازمان تعزیرات حکومتی، ۹۴/۱۰/۲۲). و این روند، فرآیند توسعه مولد کشور را کند و با اختلال موافق می‌کند. با ورود کالای قاچاق به داخل کشور کالاهای مورد تقاضا در بازارهای داخلی را با کاهش تقاضای رسمی روپردازی کند و با احتلال موافق می‌کند. با ورود کالای قاچاق به داخل کشور کالاهای منجر به تضعیف میزان تولید کالای داخلی می‌شود. اختلال در سیاست‌گذاری تحصیص ارز به کالاهای وارداتی نیز ضربه دیگری است که پدیده قاچاق به رشد و رونق تولید ملی می‌زند. کالاهای قاچاق که به علت عدم پرداخت مالیات و عوارض گمرکی، قیمت تمام شده پایین‌تری دارند در رقابت با تولیدات داخلی، صنایع داخلی را به رکود فعالیت‌ها و تعطیلی می‌کشانند. کالاهای قاچاق غیرمصرفی و غیرضروری هستند و نه تنها تاثیر بر رشد داخلی ندارد بلکه سبب کاهش تولیدات داخلی می‌شود کالاهای گمرکی به علت نپرداختن حقوق گمرکی و سود بازرگانی، قیمتی پایین‌تر از کالاهای تولید داخلی دارند. در نتیجه رقابت برای صنایع داخلی دشوار می‌شود و چه بسا به زیان‌دهی، ورشکستگی و در نهایت تعطیلی فعالیت واحدهای تولیدی می‌شود. قاچاق کالا موجب کاهش درآمد دولتی از بخش کالاهای وارداتی می‌شود. این امر در کشور ما با توجه به کسری بودجه اهمیت بسیاری دارد. ورود غیرقانونی کالا موجب محروم شدن دولت از دریافت سود بازرگانی، حقوق گمرکی و مالیات می‌شود کاهش درآمد دولتی از سه طریق صورت می‌گیرد: گسترش

اقتصاد زیرزمینی، کاهش تعرفه‌ها و کاهش درآمد ارزی. بنابراین بسیاری از درآمد دولت که می‌باشد در حمایت از تولیدکنندگان و سرمایه‌داران مولد در کشور صرف شود به جیب قاچاقچیان می‌رود. مهم‌ترین پیامد منفی اجتماعی و در عین حال اقتصادی قاچاق کالا، بیکاری است. همانطور که گفته شد قاچاق کالا با کاهش تولید داخلی در بخش اقتصاد، موجب کاهش سرمایه‌گذاری در امر تولید و اشتغال می‌شود. البته بین قاچاق کالا و بیکاری رابطه دو طرفه وجود دارد. از یک سو بیکاری و فقدان فرصت شغلی موجب گرایش به قاچاق می‌شود و از سوی دیگر قاچاق هم باعث بیکاری می‌شود. از نظر آسیب‌شناسی اجتماعی، بیکاری و فقر می‌تواند عامل عمده‌ای در پیدایش نابسامانی‌های رفتاری و روانی و در نتیجه موجب بالا رفتن انواع کجری‌های اجتماعی از جمله قاچاق باشد. فقر، ترس از مجازات را به حداقل می‌رساند و فرد محروم مسئولیت عمل ضد اجتماعی خود را متوجه بی‌سامانی اجتماعی می‌داند و لذا به سمت قاچاق گرایش پیدا می‌کند. فرد قاچاقچی به سبب سود و درآمد سرشار ناشی از قاچاق دیگر تمایلی به کار حلال و تولیدی ندارد و همواره به سود بیشتر فکر می‌کند. به عبارتی فردی که سود قاچاق را تجربه کرد به سختی درمان می‌شود. از آنجا که صنایع تولیدی داخل قادر به رقابت با کالای قاچاق بدون گمرک و عوارض نیستند، قاچاق زیرساخت‌های اقتصادی را زایل کرده و صنایع تولیدی داخل را نابود می‌کند. با رکود صنایع تولیدی داخل مشکلات اقتصادی کارفرمایان و لذا بیکاری کارگران دامنگیر اقتصاد جامعه می‌شود. بنابراین درآمدهای غیرمشروع بیکاری، فقر و فاصله طبقاتی را بدنبال خواهد داشت که خود زمینه‌ساز گرایش به سوی قاچاق است. این چرخه ادامه یافته و روز به روز سایه غول قاچاق بخش وسیع‌تری از اقتصاد جامعه را در بر می‌گیرد. نابسامانی عرصه اشتغال و عدم تولید فعال و پایدار که از علل افزایش میزان بیکاری در جامعه است بستر ساز پیدایش آسیب‌های اجتماعی است. اولین تأثیر بیکاری در جامعه خود را در قامت فقر نشان می‌دهد که از آن به

عنوان مادر آسیب‌های اجتماعی یاد می‌کنند.



تسهیل دسترسی به کالاهای حرام و غیرمجاز و کمرنگ شدن ارزش‌های دینی و اخلاقی

برخی از محصولات به صورت سازماندهی و جهت‌دار با هدف تهاجم به ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی به داخل کشور قاچاق می‌شوند. از جمله این محصولات می‌توان به محصولات صوتی و تصویری اسباب بازی و لوازم آرایشی اشاره کرد. این محصولات با آثار مخربی که بر روی قشر جوان دارند باعث از هم گسیختگی نظام فکری شده و به عنوان ابزار تهاجمی عمل می‌کنند. بر اساس گزارش منابع غیررسمی، روزانه بیش از دو و نیم میلیون دلار انواع مشروبات الکلی از مرزهای غربی به ایران قاچاق می‌شود. مصرف مشروبات الکلی به هر طریق که تهیه شده باشد و از هر مسیری که به کشور وارد شده و به بازار عرضه شده باشد، حرام و از این‌رو تجارت آن نیز ممنوع است. حرام بودن برخی کالاهای از نظر شرع مقدس اسلام به دلیل زیان‌هایی است که به لحاظ حسمی و روانی به فرد و اجتماع وارد می‌کنند. مصرف الکل ریشه‌ی بسیاری از جرایم مثل قتل، تجاوز، خودکشی، فحشاء، ضرب و شتم و ... است. رفتارهای نامناسب، ببر حرفی یا کم‌حرفی، بی‌ربط حرف زدن، گوش‌گیری، پرخاشگری، رفتارهای نامناسب جنسی، ناتوانی در انجام حرکات دقیق و ظریف، اشکال در به خاطر سپاری و قایع، تغییرات خلقی، اختلال در قضاوت، اختلال در عملکرد شغل اجتماعی، توهمات

شنوایی پایدار، ابتلا به فراموشی، و اختلال خواب و ... از جمله پیامدهای روانی مصرف الكل و مواردی چون ابتلاء به سیروز و نارسایی کبدی، بیماری‌های معده، مری، لوزالمعده، ناتوانی جنسی، افزایش خطر سرطان‌های دستگاه‌های گوارش، سرو گردن، سوء تغذیه، اختلال شدید در هماهنگی و کنترل هیجانات، کاهش سطح هوشیاری و اغماء و نهایتاً مرگ در اثر فلج عضله تنفسی از جمله عوارض جسمانی مصرف الكل به حساب می‌آیند واردات مشروبات الكلی خود به خود برای مصرف‌کنندگان اثر سوء اجتماعی داشته و سست شدن اعتقادات دینی و ملی، افزایش قتل و تجاوز و غیره را به دنبال دارد و یا قاچاق زنان و دختران فراری از منزل و در اختیار عیاش خانه‌های خارج از کشور قرار دادن آنها به شدت عواطف و اعتقادات مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

پدیده قاچاق به‌واسطهٔ حضور کالاهای جذاب و غیرفرهنگی و به‌دلیل تبلیغاتی که با خود وارد می‌کنند ارزش‌های دینی و اصول اخلاقی جامعه ما رو به خطر می‌اندازند. در این زمینه می‌توان به عنوان مثال به مصرف داروهای روان‌گردان، الكل و لوازم آرایشی و انواع پوشاك قاچاقی اشاره کرد که به دلیل داشتن تصاویر تبلیغاتی ضداخلاقی و ضددینی ذهن جوانان و مصرف‌کنندگان داخلی را خدشه‌دار می‌سازند. کالاهای وارداتی قاچاق با تبلیغات خارجی به دلیل عدم انطباق با هنجارهای اخلاقی و دینی جامعه ما، اصول و هنجارهای دینی و اخلاقی جامعه را دستخوش تغییر قرار داده و سبب آسیب اخلاقی و دینی در بین اشاره مختلف جامعه بویژه جوانان می‌شوند. ابزارهای دریافت تصاویر ماهواره‌ای، وسیله‌ای برای تماسای برنامه‌های مستهجن و نمایش‌های مبتذل و غیراخلاقی بوده و زمینه‌ساز برداشته شدن و قاحت و قبحت امور و رفتارهای ضد اخلاقی و ضدارزشی می‌شوند. برنامه‌های ماهواره‌ای اغلب به صورت هدفدار فرهنگ و ارزش‌های جامعه را نشانه رفته، معنویات را هدف قرار می‌دهند و موجب نشو و نمای فرهنگ ابتدال، برهنه‌گی و بی‌بندوباری در جامعه می‌شوند. سهم

این برنامه‌ها در شکستن قداست خانواده، افزایش طلاق و متلاشی شدن نهاد خانواده قابل تأمل است. وجود احکام آشکار در رساله‌های عملیه دینی مبنی بر حرمت مصرف مواد الکلی و مخدر افیونی و همچنین تماشای تصاویر مستهجن دال بر نقش این موارد در بروز آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی دارد.

واکاوی پیامدهای کالای قاچاق در ادبیات دینی

الف) نفی فرهنگ مصرفی

همانطور که در بخش پیشین ملاحظه شد یکی از پیامدهای مرتبط با پدیده قاچاق، اشاعه فرهنگ مصرفی شدن در جامعه است، در این قسمت با رجوع به ادبیات دینی موجود به تحلیل آثار زندگی مصرفی و سهم آن در کمرنگ شده ارزش‌های دینی در جامعه می‌پردازیم. بدیهی است به علت غنای مفاهیم دینی در مورد این مسائل تنها به برخی از آیات و روایات بنابر اقتضای مقاله و صرفًا بای اهمیت موضوع پرداخته‌ایم.

نوع انسان داری نیازهایی است که نیازهای اقتصادی و مادی از جمله اولین و حیاتی‌ترین آنها است به طوریکه طی کردن مدارج عالی تربیتی یا همان فرایند کمال بدون داشتن محیط و نظام اقتصادی سالم و پویا برای بشر ممکن نمی‌باشد. وضع احکام متعدد در دین اسلام و دقت نظری در مسائلی همچون کسب مشروع درآمد و ثروت خود گویای این حقیقت است که از منظر اسلام اقتصاد یک مقوله مهم در شکل‌دهی به یک بستر مناسب برای رشد فضیلت‌های انسانی است یکی از اصول اولیه اقتصاد سالم حیات و قابلیت رشد و نموٰ ثروت است، همان طوری که از شرایط اولیه یک اجتماع سالم اقتصاد سالم است. اقتصاد سالم یعنی اقتصاد قائم به ذات و بی‌عیب و غیرقائم به غیر. جامعه باید بنیه اقتصادی سالمی داشته باشد، مبتلا به کم‌خونی اقتصادی نباشد و اگرنه، مانند یک مریض کم‌خون و یا مریضی که دستگاه قلب و جهاز دمویه اش خراب است همیشه مریض خواهد بود. گمان نمی‌رود هیچ عالم و

بلکه هیچ عاقلی منکر لزوم و ضرورت اقتصاد سالم باشد. از نظر اسلام هدف‌های اسلامی بدون اقتصاد سالم غیرقابل تأمین است. (مطهری، ۱۳۸۷، مجموعه آثار، ج ۲۰، ۴۰۵). وجود مقررات متعدد در اقتصاد اسلامی خود دلیل اهمیت این موضوع در نزد دین اسلام و پرداختن به آن است. توجه به نقش مهم اقتصاد در رشد / جمود و تعالی / انحطاط جامعه، و نگاه اسلام به عنوان یک شریعت جامع به کمال زندگی انسانی که در بستر جامعه و وابسته بدان متحقق می‌شود (مطهری، ۱۳۸۸)، شاهد ادبیات و احکام فراوان دینی در باب اقتصاد و موضوعات مرتبط با آن هستیم. (از جمله آیاتی که به قسط و اجرای آن اشاره دارند: احزاب: ۳۳؛ ۳۹، حدید: ۵۷؛ ۲۵، نبیاء: ۲۱)؛ نساء: ۱۳۵، اعراف: ۲۹، انعام: ۱۵۲، مائدہ: ۴۲، نحل: ۹۰، شوری: ۱۵، مائدہ: ۸، نساء: ۵۸، نساء: ۳، و همچنین روایات زیادی از معصومین علیهم السلام در این زمینه نقل گردیده که ذکر آنها مجال بیشتری را طلب می‌نماید). در این بین شیوه و الگوی مصرف به دلیل اینکه آثار و ابعاد فراوانی در زندگی فردی و اجتماعی چه در بعد مادی و چه معنوی و اخروی داشته است، واژگانی پرکاربرد در ادبیات اقتصاد اسلامی بوده که همواره با تأکید فراوانی همراه بوده است. ترویج فرهنگ مصرف که منجر به پدیده تکاثر در جامعه می‌شود از یک سو باعث پیدایش معیارهای منزلتی کاذب و توسعه ارزش‌های مادی و رشد تکریم آنها شده و از سوی دیگر با ایجاد فقر و شکاف طبقاتی در جامعه، چرخه تعادلی توزیع ثروت را به هم زده و بخش عظیمی از افراد جامعه را محروم می‌سازد که این محرومیت بسترساز آسیب‌های اجتماعی بسیاری نیز می‌باشد. علاوه بر این موضوع ترویج فرهنگ تکاثر و تفاخر که موجب شکل‌گیری شکاف طبقاتی در جامعه است به پیدایش تمایزات و پایگاه‌های اجتماعی منجر شده که نتیجه نهایی آن سبک‌های زندگی متفاوت است که غالباً بر بنای اقتصاد و ارزش‌های مادی شکل می‌گیرد. این موضوع مهم، درست برخلاف اهداف تربیتی نظام اسلامی است که در بعد فردی معیار تقوی را ملاک برای برتری و در بعد اجتماعی عدالت اجتماعی

را مینا و معیار حاکمیت اسلام می‌داند. اسراف و تبذیر و تضییع مال در راه حرام می‌تواند مولد آسیب‌هایی به نام فقر و تکاثر باشد که دو روی یک سکه و آن هم از بین رفتن عدالت باشد که نبود آن بلاع خانمان‌سوز هر جامعه است. مصرف بیش از حد زمینه‌ساز انواع لغزش‌ها، اسراف‌ها، فخر فروشی‌ها تباہی‌ها و ناهنجاری‌ها می‌شود. از این‌رو، بخشی از آیات قرآنی به فرهنگ‌سازی درباره مصرف و آموزش درست مصرف کردن اختصاص یافته است. آیات و روایاتی که در آنها به میانه‌روی در مصرف، پرهیز از اسراف و تبذیر، پرهیز از هدر دادن اموال، پرهیز از راکد گذاشتن اموال و... اشاره شده است، همه در پی فرهنگ‌سازی برای مصرف هستند.

(غلام‌رمضایی، ۱۳۸۹)

اسراف و تجمل گرایی

«ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید» (سوره بقره، ۶۰). اهمیت اعتدال در مدیریت زندگی فردی و اجتماعی به اندازه‌ای است که امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرماید: «هرگاه خداوند بخواهد به بنده‌ای خیری برساند، میانه‌روی و تدبیر نیکو را به او می‌آموزد و او را از بی‌تدبیری و اسراف دور می‌کند» (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۲۴۱ و حاجی صادقی، ۱۳۸۸، صص ۵۶—۵۷)، زیرا خداوند میانه‌روی را دوست و اسراف را دشمن می‌دارد (صابری یزدی، ۱۳۷۲، ص ۷۴۸ و ص ۶۴۹). همچنین در جای دیگر، نتیجه فهري رعایت نکردن اعتدال در مصرف چنین بیان شده است که افراد یا جامعه‌ای، امور مالی و اقتصادی خود را درست (با اعتدال و میانه‌روی) اداره نکند، گرفتار فقر و سختی می‌شود (حر عاملی، ۱۳۷۷، تصحیح مهریزی و درایتی، ج ۱، ص ۱۲۶؛ صابری یزدی، ص ۶۶). قرآن کریم در آیه ۱۴۱ سوره انعام در مورد اصلاح الگوی مصرف و بهینه مصرف کردن می‌فرماید: (کلوامن ثمره اذا اثمر و اتوا حقه يوم حصادة ولا تسرفو انه لا يحب المسرفين) «و از آن میوه هنگامی که به ثمر می‌نشینند بخورید و حق آن را به هنگام درو بپردازید

و اسراف نکنید که خداوند اسراف‌کنندگان را دوست ندارد. علامه طباطبایی (ره) در توضیح عبارت «لاتسرفو» نوشته است: ولا تسرفو معناش این است که در استفاده از این میوه‌ها و غلات از آن حدی که برای معاش شما صالح و مفید است تجاوز نکنید. درست است که شما صاحب آن هستید، ولی نمی‌توانید در خوردن و بذل و بخشش آن زیاده‌روی کنید و یا در غیر مصرفی که خدا معین فرموده به کار ببرید، مثلاً در راه معصیت خدا صرف نمایید و همچنین فقیری که از شما می‌گیرد نمی‌تواند در آن اسراف کند و آن را تضییع نماید. پس مفهوم آیه مطلق است و خطاب آن شامل همه مردم چه مالک و چه فقیر می‌شود. (تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۳۶۴). یکی از پیامدهای مصرف نادرست، زندگی اترافی است منظور از مترفی زندگی در ناز و نعمت (مرفهان بی درد) است که اموال به دست آورده از راه غصب، اجحاف و سرقت را با اسراف و اتراف هزینه نموده و با جاه طلبی تمام به تجمل و ترویج آن می‌پردازند. از جمله نتایج چنین زندگی مخالفت با انبیاء و صالحان و زیر بار حرف حق نرفتن می‌باشد. در قرآن کریم آمده است: (و ما ارسلنا فی قریب من نذیر الا قال مترفوها انا بما ارسلتم به کافرون و قالوا نحن اکثر امولا و اولاد و ما نحن بمعذبین) (سوره سباء، آیات ۳۵ و ۳۶). در هیچ شهری بیم‌دهنده‌ای (پیامبری) را به رسالت نفرستادیم مگر اینکه شاد خوران (مترفین و مرفهین بی درد) گفتند ما به این دین که برای ابلاغ آن آمده‌اید اعتقاد نداریم و گفتند: ما اموال و فرزندان بیشتری داریم و ما عذاب نخواهیم شد. از دیدگاه قرآن یکی از آثار پیامدهای اسراف و مصرف گرایی، فساد در زمین است؛ زیرا هرگونه تجاوز از حد، موجب فساد و از هم گسیختگی می‌شود و به تعبیر دیگر سرچشمه فساد، اسراف است. قرآن کریم در آیه‌های ۱۵۰-۱۵۳ سوره شعرا می‌فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونَ، وَلَا تطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ، الَّذِينَ يَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يَصْلِحُونَ» پس از خدا برتسید و مرا اطاعت کنید و فرمان مسrafان را اطاعت نکنید، همان‌ها که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند» یکی دیگر از آثار و پیامدهای اسراف و مصرف گرایی گمراهی و

محرومیت از هدایت الهی است. خداوند متعال در آیه ۳۴ سوره غافر می‌گوید: (کذلک یضل الله من هو مسرف مرتاب) این گونه خداوند هر اسراف کار تردیدکننده ای را گمراه می‌سازد»

ب) ارزش کار و تولید در اسلام

کاهش تولیدات داخلی و اخلال در روند اقتصاد فعال و مولد که منجر به افزایش نرخ بیکاری در کشور می‌شود از دیگر پیامدهای گسترش پدیده قاچاق در کشور است. بیکاری اثر مستقیمی در گسترش فقر و به تبع آن آسیب‌های اجتماعی متعدد دارد. در این قسمت ابتدا به بررسی ارزش کار و فعالیت مولد در نگاه اسلام پرداخته و در ادامه با آثار فردی و اجتماعی فقر اقتصادی به عنوان یکی از نتایج بیکاری، نقش آن را در پیدایش آسیب‌ها و کمرنگ شدن ارزش‌های اسلامی یادآور می‌شویم.

آیات:

«إِنَّمَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَإِنْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». (جمعه: ۱۰) هنگامی که نماز پایان یافت، شما آزادید در زمین پراکنده شوید و از فضل الهی طلب کنید و خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید. «وَأَنْ لَيْسَ لِإِنْسَانٍ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم/۳۳). برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست. «وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يَنْزَلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ» (شوری/۲۷) اگر خداوند، روزی را بحساب برای بندگانش بگستراند، از جاده حق منحرف می‌شوند؛ و لکن به اندازه‌ای که می‌خواهد نازل می‌گرداند.

روايات:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: وَيَلِ لِصُنَاعِ امْتَى مِنَ الْيَوْمِ وَغَدَأً. (مستدرک، ج ۱۲: ۳۱۰) وای به حال صنعتگران امت من، از اینکه در کار مردم، امروز و فردا کنند. «ما اکلَ الْعَبْدَ طَعَامًا احَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ كَلَّ يَدِهِ وَمَنْ بَاتَ كَلَّا مِنْ عَمَلِهِ بَاتَ مَغْفُورًا

لَهُ). بنده، هیچ غذایی نخورد که نزد خدای متعال محبوب‌تر از دسترنج او باشد، و هر که شب را با تنی خسته از کار بخوابد، آمرزیده شود (میزان الحكمه، ۵۱۷۷). «خَيْرٌ
 الْكَسْبِ كَسْبٌ يَدَى العَالِمِ إِذَا نَصَحَ» (همان). بهترین درآمد، درآمد کارگری است که در کارشن صداقت داشته باشد. امام علی علیه السلام: مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تُرَابًا ثُمَّ افْتَرَ
 فَأُبَعِّدَهُ اللَّهُ (همان، ج ۱۷: ۴۰) کسی که آب و خاک در اختیار دارد و با فقر زندگی
 می‌کند، نفرین و لعنت خدا بر او باد. «قَلِيلٌ تَدُومُ عَلَيْهِ أَرْجُو منْ كَثِيرٍ مَمْلُولٌ مِنْهُ»
 (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۷۰). کار اندکی که بر آن مداومت کنی، امیدبخش‌تر از کار
 فراوانی است که از آن دل زده شوی. تَمَامُ الْعَمَلِ اسْتِكْمَالُهُ. تمام شدن کار، به کامل
 کردن آن است. غرالحكم و درالكلم، ج ۱، فصل ۲۲، ح ۳). «مَنْ يَعْمَلْ يَزِيدُهُ فُوَّهَةٌ وَ
 مَنْ يَفْصُرُ فِي الْعَمَلِ يَزِيدُهُ فِتْرَةً» (همان، ۲۸۰۲). هر کسی به انجام کاری برخیزد،
 نیرومندر می‌شود و هر کس در کاری کوتاهی کند، سستی او افزایش می‌یابد. امام
 سجاد علیه السلام: أَنِّي لِأَحِبُّ أَدُومَ عَلَى الْعَمَلِ وَ أَنْ قَلَّ (وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۹۲).
 من دوست دارم که در کار، پیوسته باشم، اگر چه اندک باشد. امام صادق علیه السلام:
 إِعْمَلْ وَ احْمَلْ عَلَى رَأْسِكِ وَ اسْتَغْنِ عَنِ النَّاسِ (المحجۃ البیضاء، ج ۹۳، ص ۱۴۳) کار
 کن و با سر خود بار ببر و بدین وسیله، خویشتن را از کمک مردم، بینیاز ساز! پیامبر
 صلی الله علیه و آله: أَئِنْ يَحْتَطِبُ الرَّجُلُ عَلَى ظَهْرِهِ فَيَبِعُهُ وَ يَسْتَغْنِي بِهِ وَ يَتَصَدَّقُ
 بِفَضْلِهِ خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَسْأَلَ رَجُلًا أَتَاهُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَيَعْطِيهِ أَوْ يَمْنَعُهُ (مجموعه ورام، ج ۲،
 ص ۲۲۹). اگر مردی هیزم جمع کند، آن را بر دوش خود حمل کند و بفروشد و با آن
 خویشتن را بینیاز کند و اضافه‌اش را صدقه بدهد، بهتر از آن است که از شروتمندی
 کمک بخواهد، خواه مرد ممکن به او چیزی بدهد یا محروم‌ش سازد. پیامبر صلی الله
 علیه و آله: «الْعِبَادَةُ سَبَعُونَ جُزْءاً افْضَلُهَا طَلَبُ الْحَالَلِ» (الكافی، ج ۵، ص ۷۸) عبادت
 هفتاد جزء است که بهترین آن، کوشش در به دست آوردن مال حلال است. پیامبر صلی
 الله علیه و آله: «مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا حَلَالاً اسْتَعْفَافاً عَنِ الْمَسْأَلَةِ وَ سَعِيَاً عَلَى عِيَالِهِ وَ تَعْطُفَاً

عَلَى جَارِهِ لَقِيَ اللَّهُ وَجْهَهُ كَالْعَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ» (مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۷). کسی که در پی مال مشروع برود برای آنکه (آبروی) خود را از ذلت درخواست کردن، نگه دارد، و عائله خویش را اداره کند و به همسایه خود کمک کند، خداوند را ملاقات می کند در حالی که صورتش مانند ماه تمام می درخشید. امام صادق علیه السلام: «الكافرُ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبَيلِ اللهِ» (محاجة البيضاء، ص ۱۴۳). کسی که برای گذران زندگی خانواده اش تلاش کند، همانند جهاد کننده در راه خدا است.

در نکوهش بیکاری

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «يا على! ايک و خَصَّائِصَينِ: الصَّبَرَةُ وَ الْكَسْلُ فَإِنَّكَ ان ضَجَرْتَ لَمْ تَصْبِرْ عَلَى حَقٍّ، وَ إِنْ كَسِلْتَ لَمْ تَؤْدِ حَقًا» (میزان الحكمه، ج ۱۱، ص ۵۱۸۷). ای على! از دو خصلت بپرهیز؛ بی حوصلگی و تنبی؛ زیرا اگر بی حوصله باشی، بر حق شکیابی نورزی و اگر تنبیل باشی، حقی را ادا نکنی. «أَمَا عَلَامَةُ الْكَسْلَانِ فَأَرَبَعَهُ: يَتَوَانَى حَتَّى يَفْرَطَ، وَ يَقْرُطُ حَتَّى يَضِيقَ وَ يَضَيقُ حَتَّى يَاشَ، وَ يَضْجَرُ (همان). نشانه تنبیل، چهار چیز است: چندان سستی می کند که به کندی می گراید؛ و چندان کندی می کند که (اصل کار) را فرومی گذارد؛ و چندان فروگذاری می کند، که گنهکار و دل مرده می شود. امام علی علیه السلام: «تأخيرُ الْعَمَلِ غُنوانُ الْكَسْلِ» (همان). به تأخیر افکنند کار، نشانه تنبیل است. التوانی اضاعة^{۲۳۱}. سستی (در کار)، ضایع کننده (عمر و فرصت) است. «مِنْ سَبَبِ الْجِرْمَانِ التَّوَانِي». یکی از عوامل محرومیت، سستی در کار است (همان). «مَنْ اطَاعَ التَّوَانِي، ضَيَّعَ الْحُقُوقَ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۱).

نقی فقر در جامعه

فقر، ضد غنا، و به معنای نیاز است و در اصطلاح به کسانی فقیر گفته می شود که هزینه یک سال را بالفعل و بالقوه نداشته باشند. نیز گفته می شود: کلمه «فقر» به معنای شکافی است که در عضو و غیر آن بوده باشد و «فقیر» یعنی کسی که مهره پشتش شکسته است و انسان فقیر را از این حیث فقیر گویند، که گویا مهره پشتش به خاطر باشند و باید بپوشند

ذلت و خواری از ناحیه فقر شکسته است (ابن فارس، ج ۴، ص ۴۳۳). تهیدستی و نیازمندی‌های مالی از جمله انواع فقر است که در مکتب اسلام در گستره‌ی وسیعی به آن پرداخته شده است: **لِلْفَقَرَاءِ الَّذِينَ أَخْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِعُونَ ضَرِبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ النَّعْفَ تَعْرُفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْئَلُونَ النَّاسَ إِلَحْافًا**^۵ [این صدقات] برای آن [دسته از] نیازمندانی است که در راه خدا فرو مانده‌اند، و نمی‌توانند [برای تأمین هزینه زندگی] در زمین سفر کنند. از شدت خویشتن‌داری، فرد بی‌اطلاع، آنان را توانگر می‌پندارد. آنها را از سیماشان می‌شناسی. با اصرار، چیزی از مردم نمی‌خواهند. قال الامام الرضا (علیه السلام): المسكنة مفتاح البؤس (الحياء، ۱۳۸۸، ۲۸۴). امام رضا(ع): نداری و تهیدستی کلید بدبختی است توصیفاتی که از پدیده فقر اقتصادی و ناخواسته در روایات معصومین (ع) شده است حاکی از این واقعیت است که این شکل از فقر به هیچ وجه مطلوب زندگی انسان نبوده و انسان را به ورطه نابودی و هلاکت در زندگی دنیوی و اخروی می‌کشاند. در ذیل پاره‌ای از این روایات را مرور می‌کنیم:

- ۱— بدتر از قتل: قال رسول الله صلى الله عليه و آله: **الْفَقَرُ أَشَدُّ مِنَ القَتْلِ** (جامع الاخبار/ ۲۹۹/ ۲۹۹). پیامبر خدا صلی الله عليه و آله: فقر، سخت‌تر از کشتار است
- ۲— بالاترین مرگ: قال الإمام على عليه السلام: **الْفَقَرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ** (نهج البلاغه/ ح/ ۱۶۳). امام علی عليه السلام: فقر، مرگ سخت‌تر است.
- ۳— روسياهی: قال رسول الله صلى الله عليه و آله: **الْفَقَرُ سُوادُ الْوِجْهِ فِي الدَّارِينَ** (بحار/ ۶۹/ ص ۳۰). رسول خدا صلی الله عليه و آله: فقر، روسياهی در دوسرا است.
- ۴— بدتر از قبر: قال على عليه السلام: **الْقَبْرُ خَيْرٌ مِنَ الْفَقَرِ** (کافی/ ج/ ۸/ ص ۲۱). امام على عليه السلام: قبر بهتر است از فقر.

امام صادق علیه السلام فرمودند: لقمان گفت: ... همه تلخی‌ها را چشیدم، و چیزی تلخ‌تر از فقر ندیدم.

۵ — سخت‌تر از آتش نمرود: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: اوحى الله الى ابراهيم فقال يا ابراهيم! خلقتك و ابنتيك بنار نمرود فلو ابنتيك بالفقر و رفعت عنك الصبر فما تصنع؟ قال ابراهيم عليه السلام يا رب الفقر اشد من نار نمرود (بحار/ ۷۴/۷۲). رسول خدا می فرمایند: خداوند به ابراهيم عليه السلام وحی فرستادکه: ای ابراهيم! تو را آفریدم و به آتش نمرود آزمودم، اگر تو را به فقر می آزمودم و صبر را از تو می گرفتم چه می کردی؟ ابراهيم عرض کرد: خدایا! فقر از آتش نمرود سخت‌تر است.

آثار مخرب فقر در حوزه‌ی فردی

برخی از آثار زیان بار فقر عبارتند از:

۱— خود کمتر بینی: فقر مادی احساس حقارت و خود کمتر بینی را به دنبال دارد، به گونه‌ای که حتی فقیر، در میان خانواده‌ی خود نیز نمی‌تواند شخصیت حقیقی و عزت نفس خویش را بازیابد. او در حقیقت از دیدگان دیگران فراموش می‌شود. الإمام علی (علیه السلام): **الْفَقْرَ يَنْسَى** (الحياة، ج ۴، ص ۳۹۴) فقر، انسان را به فراموشی می‌سپارد.

۲— ضعف اراده: نتیجه‌ی مستقیم خود کمتر بینی و احساس حقارت فقیر، سلب اعتماد به نفس و سستی اراده‌ی اوست. الإمام علی (علیه السلام): ... وَ إِنْ افْقَرَ قَنْطَ وَ وَهَنَ ... (همان، ص ۴۳۰) و اگر انسان فقیر شود، نومید و سست گردد. الإمام علی (علیه السلام): إِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَةً لِلَّذِينَ مَدْهِشَةُ الْعُقْلِ ... (غورالحكم، ۳۶۵). فقر، سبب پریشانی حواس، سرگشتگی عقل و گرفتار شدن به غم و اندوه می‌شود.

۳— تشویش و اضطراب: فقر مادی و فشارهای اقتصادی ناشی از آن، انسان را تهدیکی بداند و تقویت کند باست: نمودن

می آزاد و پیوسته جان و دلش را به خود مشغول می سازد و تشویش و اندوه حاصل از آن، آرامش روحی وی را بر هم می زند. الإمام علی (ع): إِنَّ الْفَقْرَ... جَالِبُ الْهَمْوَمِ (غَرَرُ الْحُكْمِ / ح ۳۴۲۸). به راستی که فقر، اندوه‌آور است. عن أبي خالد، عن الصادق (ع): خمس خصال من فقد منهنَ واحدةً — لَمْ يَزِلْ ناقصُ العِيشِ زائِلُ الْعُقْلِ مُشغُولًا — فَأُولُّهَا صَحَّةُ الْبَدْنِ وَالثَّانِيَةُ الْأَمْنُ وَالثَّالِثَةُ السَّعَةُ فِي الرِّزْقِ وَالرَّابِعَةُ الْأَنْسِ الْمُوَافِقُ — قَلْتُ: وَمَا الْأَنْسِ الْمُوَافِقُ؟ قَالَ: الزَّوْجَةُ الصَّالِحةُ - وَالوَلْدُ الصَّالِحُ وَالخُلِيلُ الصَّالِحُ — وَالخَامِسَةُ وَهِيَ تَجْمُعُ هَذِهِ الْخَصَالِ الدَّعَةُ (بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۸۷).

پنج خصلت است که هر کس یکی از آن را نداشته باشد، پیوسته زندگی او ناقص عقل او زایل و دل او مشغول است. ۱. تندرنستی ۲. امنیت ۳. وسعت در روزی، ۴. دوست موافق، راوی پرسید: دوست موافق کیست؟ فرمود: همسر شایسته و فرزند صالح و رفیق صالح ۵. و فراغ خاطر و آسودگی می باشد که از جامع این صفات است.

۴— تزلزل اعتقادی: از تلخترین آثار اعتقادی فقر، تأثیر منفی بر باورهای دینی و مانع افکنی در انجام وظایف عبادی است. النبي (صلی الله علی و آله): كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا. (کافی / ج ۲ / ص ۳۰۷) فقر، آستانه کفر است. الإمام علی (علیه السلام): الْفَقْرُ طَرْفٌ مِّنَ الْكُفْرِ. (الحیاء، ج ۴، ص ۴۲۳). فقر در کنار کفر است. الإمام علی (علیه السلام): ... فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِّلَّدِينِ (نهج البلاغه، حکمت ۳۱۱). همانا فقر، مایه نقص در دین است. عن النبي (صلی الله علی و آله): اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ فَقَالَ رَجُلٌ: أَيْعَدْلُانِ؟ قَالَ (صلی الله علی و آله): نَعَمْ (میزان الحكمه، ج ۳، ص ۲۴۳۸). روزی پیامبر اکرم (صلی الله علی و آله) در دعای خود چنین فرمود: پروردگار!! از کفر و فقر به تو پناه می برم. شخصی پرسید: آیا این دو با هم مساوی اند؟ حضرت فرمود: آری.

۵— عامل گناه و معصیت: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: ياءٌ تُعَلَّى عَلَى النَّاسِ زمان یکون هلاک الرجل علی ید زوجته و ابویه و ولده یعیرونہ بالفقر و یکلّفونه ما لا

یطیق فیدخل المداخل التی یذهب فیها دینه فیهلك (محجۃ البیضاء / ۳/۵۷). رسول خدا فرمودند: زمانی بر مردم می‌آید که هلاکت و نابودی فرد به دست همسر و والدین و فرزندان اوست زیرا دائماً او را بخاطر فقرش سرزنش می‌کنند و کاری که در حد توانش نیست را بر او بار خواهند کرد، او نیز برای برآوردن توقعات نابجای آنان در هر مسیری که حتی دینش را از بین می‌برد گام می‌نهد و لذا هلاک می‌شود.

آثار مخرب فقر در حوزه اجتماعی

۱- انزوای اجتماعی: فقدان امکانات مادی و آثار زیان بار فقر بر شخصیت افراد از یک سو و حاکمیت ارزش‌های تکاثری در جامعه از سوی دیگر، مجالی برای حضور تهیستان در عرصه‌های اجتماعی نمی‌نهد، حتی آنان در شهر و دیار خود نیز غریبند و تنها. الإمام علی (علیه السلام): **الْفَقِيرُ عَرِيبٌ فِي بَلْدَتِهِ** (الحیاء، ج ۴، ص ۳۹۴). فقیر در شهر خود غریب است. فقیر از نظر اجتماعی، جایگاه و اعتبار شایانی ندارد به گونه‌ای که در اذهان افراد به فراموشی سپرده می‌شود. الإمام علی (علیه السلام): **الْفَقْرِ يُنْسِى** (همان). فقر، انسان را به فراموشی می‌سپارد. مردم، انسان فقیر را فراموش می‌کنند.

۲- انزوای سیاسی: انسان‌های فقیر، معمولاً در مراکز قدرت جایگاهی ندارند، چرا که برای شرکت در رقابت‌های سیاسی؛ توان مالی نداشته و نفوذ و تأثیر چندانی در میان توده‌های مردم نمی‌توانند داشته باشند. الإمام علی (علیه السلام): **الْفَقِيرُ حَقِيرٌ لَا يُسْمَعُ كَلَامُهُ وَ لَا يُعْرَفُ مَقَامُهُ** (همان، ص ۴۰۴).

فقیر [در چشم مردم] بی‌مقدار است؛ نه سخشن شنیده می‌شود و نه جایگاهش شناخته می‌شود.

۳- انزوای حقوقی: شخص فقیر، به دلیل احساس ناتوانی، کاستی و انفعال نفسانی، توانایی استدلال و دفاع از خود را ندارد، به ویژه آن جا که در برابر قدرت اقتصادی قرار گیرد. الإمام علی (علیه السلام): **وَالْفَقْرُ يُخْرِسُ الْفَقِيرَ عَنْ حُجَّتِهِ** (نهج البلاغه / ح ۳) فقر، نهج البلاغه / ح ۳ برگزیده از رسائل امام رضا علیه السلام

انسان زیرک را به هنگام بیان دلیل خویش لال می‌کند.

۴- وارونه‌سازی و پایمالی فضیلت‌ها: در نگاه عده‌ای که ملاک قضاوت‌شان، تنها و

تنها مال و ثروت است، ارزش‌های واقعی فرد فقیر را نیز نادیده گرفته و حتی ضد ارزش جلوه می‌دهند؛ و حال آنکه همین افراد ثروتمند را به دیده‌ی اعتبار و ارزش می‌نگرند! الإمام علی (علیه السلام): **الْفَقِيرُ صَادِقًا يُسَمُّونَهُ كَاذِبًا وَلَوْ كَانَ زَاهِدًا يُسَمُّونَهُ جَاهِلًا ...** (همان، ص ۴۱۳). اگر فقیر راستگو باشد، او را دروغگو نام نهند و اگر زاهد باشد، او را نادان خوانند.

۵- ایجاد فضای دشمنی و نفرت: حضرت امام علی (علیه السلام) به فرزندش محمد

بن حنیفه می‌فرمودند: **(لَا يَنِهِ مُحَمَّلِينَ الْحَقَّيْهِ: يَا بْنَنِي، إِنِي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقَرَ، فَاسْتَعِدْ بِاللَّهِ مِنْهُ؛ فَإِنَّ الْفَقَرَ ... دَاعِيَهُ لِلْمَقْتَرِ** (نهج البلاغه: الحکمة ۳۱۹). فرزند، بر تو از فقر و تنگدستی می‌ترسم، از آن به خداوند پناه ببر، زیرا فقر ... مایه دشمنی و عداوت است.

۶- سلب عزت و شرافت اجتماعی: قال علی (علیه السلام) فرموده‌اند: گدایی طوف

ذلتی است که عزت را از عزیزان و شرافت خانوادگی را از شریفان سلب می‌کند.
(غیرالحکم، ص ۹۹)

۷- ترویج بی‌عفّتی و فحشا: زنان و مردان غیرمتأهل، فقیر و فاقد امکانات ازدواج،

بیشتر از دیگران، در معرض بی‌عفّتی و آلودگی به فساد جنسی قرار دارند: ... و **لِيُسْعِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكاحًا حَتَّى يُغَنِّيَمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ...** (نور/۳۳).

با وجود اثبات تأثیر قطعی پدیده قاچاق کالا در بروز معطلاتی مانند مصرف گرایی،

بیکاری و فقر در جامعه، با ارجاع و با واکاوی مفاهیم مدنظر در ادبیات دین اسلام، به

وضوح مشخص می‌گردد که یافته‌ها در بخش نخست، مصرف‌گرایی به عنوان یک

امنامطلوب در اسلام مذموم شده و دستورات صریح دینی بر نهی آن تأکید

(۱) نموده‌اند. ترک اسراف و اتراف به عنوان دو مشخصه مصرف‌گرایی و شکل‌گیری

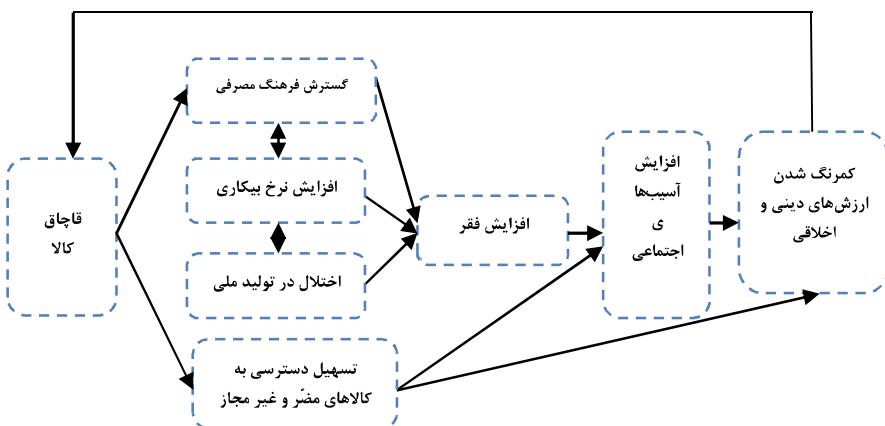
زندگی تجملی و تکاثری، بارها و بارها در متون دینی تذکر داده شده به طوریکه ظهور چنین اعمالی در جامعه اسلامی مساوی با فساد قلمداد گردیده است. این فرهنگ دارای تأثیر منفی زیادی بر سلامت فرهنگی، اقتصادی و اخلاقی جامعه است که نتیجه آن غلبه ارزش‌های مادی و معیار قرار گرفتن این معیارها به مثابه منزلت اجتماعی می‌باشد. در بخش ارزش کار و نقی بیکاری نیز، مستندات ارائه شده حاکی از ستایش فرهنگ کار و تولید و نکوهش بیکاری است. درادامه نیز به ابعاد اثرات فردی و اجتماعی فقر که یکی از نتایج مستقیم بیکاری در جامعه است پرداخته که این بررسی نشان داده که در نگاه دینی فقر یکی از عوامل اساسی بروز آسیب‌های اجتماعی و تنزل ارزش‌های دینی در جامعه است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این مقاله شامل سه بخش بوده که در بخش نخست به تعاریف نظری و مفهومی گذشت و در بخش دوم نتایج پژوهش‌های پیشین و آمارهای موجود با فراتحلیلی کیفی به شکل نظام مسائل حاصل از قاچاق ارائه گردید در بخش پایان نیز با واکاوی نظریات دین اسلام نسبت به نظام مسائل کشف شده پرداخته شد.

تحلیل همزمان بخش‌های مختلف این مقاله نشان می‌دهد که پدیده قاچاق با گسترش فرهنگ مصرفی، افزایش نرخ بیکاری، اختلال در تولید ملی، و تسهیل در دسترسی به کالاهای ممنوع و غیر مجاز و در نتیجه شکل‌گیری فقر در جامعه ارتباط مستقیم دارد. از این بین سه عامل اخیر در گسترش فقر در جامعه نقش بی‌واسطه و به سزاوی را ایفا می‌نماید. فقر را می‌توان مادر آسیب‌های اجتماعی در جامعه دانست. با توجه به ابعاد فردی و اجتماعی و همچنین تأثیرات پدیده فقر، تقریباً همه نظریات جامعه‌شناختی و روانشناسی، فقر اقتصادی را به عنوان یک عامل آسیب‌زا در جامعه معرفی می‌کنند. یافته‌های ارائه شده از این نظام مسائل به ادبیات دینی، بیانگر این

مطلوب مهم بوده که چنین موضوعی به طور مستقیم و یا با واسطه منجر به کمرنگی ارزش‌های دینی و به خطر افتادن سلامت اخلاقی و انسانی در جامعه می‌شود. نمودار زیر حاصل تحلیل بخش‌های مختلف این مقاله بوده که به صورت شماتیک ابعاد و پیامدهای پدیده قاچاق در به وجود آمدن گسترش فرهنگ مصرفی و فرایند تأثیر این فرهنگ در گسترش بیکاری، فقر، آسیب‌های اجتماعی و به تبع آن کمرنگ شدن ارزش‌های دینی و اخلاقی در جامعه نشان می‌دهد. نکته قابل توجه دیگر نمودار تأثیر منفی مستقیم و بی‌واسطه نقش قاچاق کالاهای مصرفی غیرمجاز و ممنوع مانند مواد مخدر و مشروبات الکلی در سلامت دینی و اخلاقی جامعه است و ذکر این نکته که وجود چنین جامعه باز تولید‌کننده پدیده قاچاق است. بدیهی است که رفع کم‌توجهی و شفافسازی مفاهیم، ارزش‌ها و هنجارهای دینی در این زمینه با توجه به بافت فرهنگی جامعه ایران، از جمله راهبردهای لازم و مؤثر برای حل و تخفیف اثرات این پدیده در جامعه می‌باشد.



نمودار شماره ۴. فرایند تأثیرگذاری پدیده قاچاق در گسترش فرهنگ مصرفی و کمرنگ شدن ارزش‌های دینی و اخلاقی

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آفازاده، علیرضا (۱۳۸۵)، بررسی تحلیلی و کاربردی سیاست جنایی ایران در قبال قاچاق کالا، تهران، نشر آثار اندیشه.
۳. افخم‌زاده، عبدالعزیز (۱۳۸۸)، پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مصرف کالاهای خارجی و قاچاق «فرسایش ملی»، اولین جشنواره فراخوان مقالات اقتصاد سالم، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز.
۴. اشتريان، كيمورث، علوم سياستگذاري و دستاوردهاي آن برای ايران، خبرگزاری دانشجويان ايران (ایسنا)، گروه مسائل راهبردي ايران، تهران، ۱۳۸۵.
۵. افشار، عبدالله و سبحانی نژاد، مهدی، (۱۳۸۸)، علل ناکارآمدی مقابله با قاچاق، تهران، نشر معرفت، شماره ۱۶۱، ۱۶۷-۱۷۷.
۶. باکاک، ر. (۱۳۸۱)، مصرف، ترجمه خسرو صبوری، تهران: انتشارات شیرازه.
۷. بهار، مهری (۱۳۹۰)، مصرف و فرهنگ، تهران، انتشارات سمت.
۸. پژویان، جمشید و مراح، مجید (۱۳۸۵)، بررسی اقتصادی قاچاق در ایران، پژوهشنامه اقتصادی، شن، ۲۰، صص ۴۳-۷۰.
۹. پوران، رضا (۱۳۸۸)، بررسی علل و آثار و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی واردات کالاهای قاچاق در ایران، اولین جشنواره فراخوان مقالات اقتصاد سالم.
۱۰. پورنیازی، محمد تقی (۱۳۸۹)، ریشه‌ها و پیامدهای قاچاق کالا، ماهنامه قاچاق کالا و ارز، مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۱۱. پير مولر، سياستگذاري عمومي، ترجمه حميدرضا ملک‌محمدی، تهران، دادگستر، ۱۳۷۸، ۲۹۰.
۱۲. ترنر، جاناتان اچ، مفاهیم و کاربرهای جامعه‌شناسی، ترجمه فولادی و بختیاری، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) ص ۸۰.
۱۳. چولي، محمد؛ باقری، معصومه؛ حسين زاده، علي حسين (۱۳۸۹) بررسی عوامل اجتماعی — فرهنگی موثر بر سبک زندگی خانواده‌های ایرانی (مورد مطالعه: شهر تهران) پژوهش‌پذیری پژوهشگاه اسلامی

- ارومیه)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز.
۱۴. روش‌گی (۱۳۹۰)، *تغییرات اجتماعی، منصور و ثوقي*، تهران: نشر نی.
 ۱۵. ذکایی، محمد (۱۳۸۶)، *الگوی سبک زندگی ایرانیان به کوشش ابراهیم حاجیانی، پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام*، ص ۸۵
 ۱۶. سیدی‌نیا، مصرف‌گرایی، *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، سال نهم، شماره ۳۴، تابستان ۱۳۸۸
 ۱۷. فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، *صرف و سبک زندگی*، قم: صحیح صادق.
 ۱۸. — (۱۳۸۷)، *تصویری از سبک زندگی فرهنگی جامعه‌ی دانشجویی فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، سال اول، شماره ۱، بهار، صص ۱۷۵-۱۹۸.
 ۱۹. کوئن، بروس (۱۳۸۶)، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل، چ هجدهم، تهران، سمت.
 ۲۰. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: انتشارات نی.
 ۲۱. رمضانی، علی، (۱۳۸۹)، *تداوی قاچاق کالا و علل تشدید آن*، تهران، نشر آفرینش، صص ۴۵-۶۳.
 ۲۲. رحمت... قلی‌پور و ابراهیم غلام‌پور آهنگر، *فرایند سیاست‌گذاری عمومی در ایران*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۱۴.
 ۲۳. سلطانی‌نژاد، موسی (۱۳۸۹)، *پیامدهای اقتصادی، اجتماعی فرهنگی سیاسی مصرف کالاهای خارجی و قاچاق*، اولین جشنواره فراخوان مقالات اقتصاد سالم، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز.
 ۲۴. سیف، اله‌مراد (۱۳۸۷)، *قاچاق کالا در ایران*، تهران: مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات اقتصادی.
 ۲۵. صارمی، امین و جورکش، رضا (۱۳۷۹)، *تبیین قاچاق کالا از منظر جامعه‌شناسی*، تهران، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲ و ۳.
 ۲۶. غلامی باغی، سعید و تاری، *فتح الله* (۱۳۸۹)، *تأثیر متقابل فرهنگ و قاچاق کالا، ماهنامه مهندسی فرهنگی*، سال چهارم، شماره ۴۱ و ۴۲، صص ۴۸-۶۲.

۲۷. فروزنده، لطف‌الله؛ وجданی، فؤاد؛ مجله اطلاعات سیاسی — اقتصادی، بهمن و اسفند ۱۳۸۸، شماره ۲۶۹ و ۲۷۰، ص ۱۸۰ - ۲۰۷.
۲۸. کریمی، ابوذر (۱۳۸۷)، علل و زمینه‌های قاچاق؛ پیامدهای قاچاق (پیش‌فرضها و مفروضات)، www.shams4.blogfa.com
۲۹. محسنی، حسن (۱۳۸۹)، پیامدهای اقتصادی اجتماعی سیاسی و فرهنگی قاچاق کالا، اولین جشنواره فراخوان مقالات اقتصاد سالم، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز.
۳۰. مددی، زهرا (۱۳۸۸)، قاچاق، تهران، موسسه تحقیقات تدبیر اقتصادی.
۳۱. مهرآفرین (۱۳۸۳)، قاچاق کرم خاردار اقتصاد، تهران، اتاق بازرگانی، شماره ۴۴۳.
۳۲. نصیری، شهرزاد (۱۳۹۰)، بررسی عوامل موثر بر قاچاق کالا و ارز و تاثیر آن بر اقتصاد ملی، مجله الکترونیکی ویستا (vista).
۳۳. نوری، جعفر (۱۳۸۵)، پیامدهای اقتصادی و راهکارهای کنترلی پدیده قاچاق، مجله حقوقی مجد، مجتمع علمی فرهنگی مجد.
۳۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، مجموعه آثار، ج ۲۰، تهران: انتشارات صدر.
۳۵. وطن‌پور، علیرضا، (۱۳۸۷)، قاچاق کالا و تاثیر آن بر اقتصاد ملی، بررسی‌های بازرگانی، شماره ۲۸
۳۶. Schwartz Shalom H.And Galit Sagie .(۲۰۰۰), Value Consensus And Importance, A Cross- National Study.Journal Of Cross- Cultural Psychology, Vol. ۳۱ No. ۴, ۴۶۵-۴۹۷, p: ۸.